

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میشل شوسودوسکی - Michel Chossudovsky

برگردان از: حمید محوی

۱۵ جنوری ۲۰۲۰

امپراتوری امریکا از نفس افتاده

به سوی اخراج ایالات متحده امریکا در خاور میانه ؟

مرکز پژوهشهای جهانی سازی، ۸ جنوری ۲۰۲۰



اهداف فرادست مدارانه و نظامی ایالات متحده امریکا در خاورمیانه به آستانه بحرانی خود رسیده است.

قتل سپهبد سلیمانی از سپاه پاسداران انقلاب ایرانی که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا فرمان آن را در ۳ جنوری

۲۰۲۰ صادر کرد معادل اعلام جنگ علیه ایران است.

رئیس جمهور دونالد ترامپ سلیمانی را به توطئه چینی برای حملات قریب الوقوع و پلید متهم کرد : « ما شب گذشته

برای پایان بخشیدن به جنگ دست به عمل زدیم. ما این کار را برای شروع جنگ انجام ندادیم (...) ما او را در حال

ارتکاب گرفتیم و حذف کردیم.»

وزیر دفاع ایالات متحده امریکا مارک تی. اسپر^۱ این قتل را « اقدام دفاعی قاطعانه » ارزیابی کرد، و در عین حال

گفت که عملیات به فرمان رئیس جمهور بود و از سوی پنتاگون هدایت شده است و اسپر اظهار داشت که « قاعده بازی

تغییر کرده است.»

¹ Mark t.Esper

آنچه را که رسانه ها از قلم انداخته بودند، نقش مرکزی سپهبد سلیمانی علیه تروریستهای گروه های مسلح مانند « دولت اسلامی» [داعش] و القاعده در عراق و سوریه بود.

نیروی قدس در سپاه پاسداران انقلاب ایرانی به فرماندهی سپهبد قاسمی اردوی واقعی ضد تروریستی را علیه مزدوران مسلح داعش بر پا کرد که از آغاز ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش تأمین مالی آنان را به عهده داشتند، آموزش می دادند و استخدام می کردند.

طرح عملیاتی ترمپ برای «پایان دادن به جنگ» عبارت است از «حمایت» پیاده نظام وابسته به داعش و القاعده.

قتلهای غیر قانونی توسط ایالات متحده آمریکا

قتل سپهبد سلیمانی مطمئناً یک عمل جنایتکارانه از سوی رئیس جمهور ترمپ است، ولی پراتیک امریکائی در قتل سیاستمداران خارجی به دیروز منحصر نیست.

آنچه قتل سپهبد سلیمانی را از دیگر قتل های فراقانونی تفکیک پذیر می کند، این است که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا رسماً اعلام کرد که هم او بوده که فرمان قتل را صادر کرده است.

این سابقه خطرناکی ست. این قتل عمدی بوده و مانند عملیات سرّی سازمان سیا و پشتیبانی از گروه های وابسته به القاعده که به نام واشنگتن ارتکاب به عمل می کنند پنهانکاری نشده است.

موضوع مهمی را که باید یادآور شویم این است که نه ترمپ بلکه به طور مشخص اواما بود که «قانونیت» پراتیک قتل فراقانونی را (به فرمان رئیس جمهور) رسماً اعلام کرد :

اگر رئیس جمهور (اواما) بتواند هر فردی به علاوه شهروندان امریکائی را بدون تحقیقات قضائی به قتل برساند، چه قدرتی باقی می ماند که او در اختیار نداشته باشد؟ به این ترتیب رسمی ترین تفکیک بین دموکراسی و دیکتاتوری ریاست جمهوری برچیده می شود.²

پاسخ ترمپ : قطعات بیشتر در خاورمیانه

در مدتی که پنتاگون گسیل «هزاران سرباز بیشتر در خاورمیانه» را اعلام می کرد، پارلمان عراق با موافقت همگانی برای خروج فوری همه نیروهای امریکائی رأی داد.

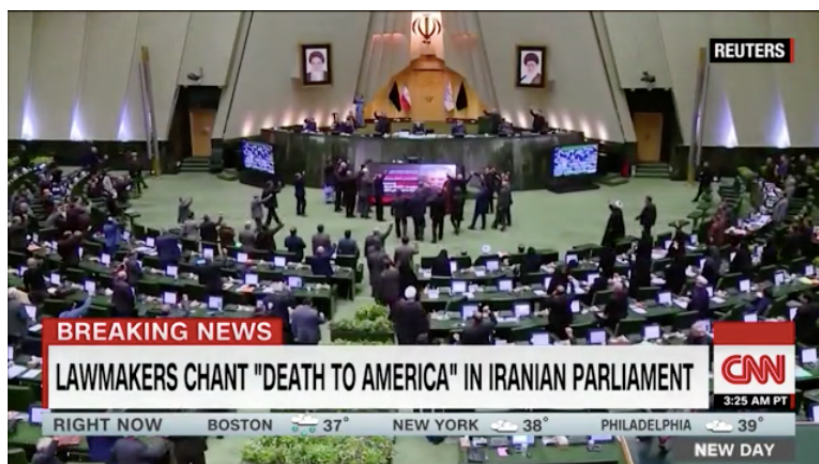
قانون اساسی دولت عراق را ملزم می داند که «به هر گونه حضور خارجی در خاک عراق پایان دهد و استفاده از حریم فضائی، زمینی و بحری عراق را به هر دلیلی که باشد، ممنوع کند».

² [Joseph Kashore, ws.org, 31 octobre 2012](http://JosephKashore.ws.org)

Iraqi Parliament votes for plan to end US presence in Iraq after Soleimani killing

By Eric Levenson, Fred Pleitgen, Schams Elwazer and Amir Vera, CNN

Updated 11:43 AM ET, Sun January 5, 2020



یادداشت : مرگ بر امریکا : به دولت امریکا اشاره دارد و نه مردم امریکا

بازگشت به گذشته : حملات هوایی اوپاما (۲۰۱۷-۲۰۱۴)

پارلمان عراق همچنین توافق پوچ ۲۰۱۴ با دولت اوپاما را به حالت تعلیق درآورد که از ایالات متحده امریکا دعوت می کرد که عملیات دروغین ضد تروریستی علیه گروه مسلح « دولت اسلامی » (داعش) را مدیریت کند که متشکل از مزدوران مسلحی ست که از سوی ایالات متحده امریکا و ناتو به پشتیبانی عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأمین مالی شده، آموزش دیده و به استخدام درآمده اند.

تصمیم پارلمان عراق از این جهت بنیادی ست. زیرا این عملیات از سوی دولت اوپاما به بهانه ای برای توجیه سومین مرحله جنگ علیه عراق به کار برده شده بود (۲۰۱۴-۲۰۰۳-۱۹۹۱). در جون ۲۰۱۴ است که اوپاما دور تازه ای از کشتار و تخریب را زیر پوشش عملیات ضد تروریستی آغاز می کند.



چرا نیروی هوایی ایالات متحده از حذف داعش عاجز بود در حالی که در آغاز فقط به سلاح های سبک متعارف مجهز بودند، بی آن که وانت های تویوتای درخشانشان را فراموش کنیم؟

علت این است که از همان آغاز اردوی هوایی از سوی برنده جایزه نوبل صلح بارک اوباما علیه داعش هدایت نشده بود. دلایل تأیید می کند که دولت اسلامی هدف گرفته نشده بود، کاملاً به عکس. حملات هوایی تخریب زیر ساختهای اقتصادی عراق و سوریه را هدف می گرفتند.

به تصویر کاروان کامیونتهای داعش در ورودشان به عراق نگاه کنید، آنها از سوریه آمده بودند، چگونه توانستند ۲۰۰ کیلومتر در صحرای گسترده بین دو کشور را بپیمایند. این کاروان در جون ۲۰۱۴ وارد عراق شد.



از دیدگاه نظامی، به چه چیزی نیاز بود تا این کاروان داعش که فاقد قابلیت دفاع هوایی مؤثر بود از بین برده شود؟ برای پاسخ به چنین پرسشی نیازی نیست که ما کارشناس مسائل نظامی باشیم. منطق عقلی ساده کافی خواهد بود.



اگر می خواستند بریگادهای داعش را حذف کنند، می توانستند با بمباران گسترده کاروان کامیونتهای تویوتا طی عبور از صحرا بین سوریه و عراق در جون ۲۰۱۴ کارشان را یک سره کنند.

صحرای سوریه-عرب زمینی باز است (نقشه را ببینید). با هواپیماهای شکاری با فن آوری برتر (اف ۱۵، اف ۲۲ راپتور، اف ۱۶) از دیدگاه نظامی عملیات «یک بازی کودکانه» به نظر می رسد، با یک حمله جراحی سریع و مؤثر می توانستند در چند ساعت کاروان داعش را نابود کنند.

ولی اگر این بمباران صورت می گرفت، می توانستند از تحمیل اردوی بمبارانی که نام کد آن «مسئولیت محافظت»^۲ بود و سه سال به طول انجامید (۲۰۱۷-۲۰۱۴) معاف شوند.

در واقعیت امر، به جای آنچه به وقوع پیوست حمله و بمباران هوایی بی وقفه بود که با به اصطلاح آزادی موصل (فیروری ۲۰۱۷) و رقه (اکتوبر ۲۰۱۷) از سوی ائتلاف به فرماندهی ایالات متحده آمریکا به اوج خود رسید.

به ما باورانده بودند که داعش دست بالا را دارد و نمی توانیم آنها را شکست دهیم مگر با یک ائتلاف قوی نظامی متشکل از ۱۹ کشور به فرماندهی ایالات متحده آمریکا.

ولی ساکنان عراق و سوریه بودند که هدف گرفته شده بودند. بمبارانهای اوباما زیربناهای مدنی عراق و سوریه را هدف می گرفتند.

داعش هرگز هدف خشونت ایالات متحده آمریکا قرار نگرفت، کاملاً به عکس، ائتلاف نظامی غرب از آن حمایت می کرد.

عقب نشینی گروه های نظامی ایالات متحده : یانکی برو به خانه ات (Yankee Go Home) (۲۰۲۰)

گرچه برای عقب نشینی عمده نیروهای نظامی آمریکا در آینده قابل پیشبینی احتمال اندکی وجود دارد، «جنگ ایالات متحده آمریکا علیه تروریسم» در تهدید بی اعتباری قرار گرفته و دیگر هیچ کس به ایالات متحده آمریکا باور ندارد که علیه تروریستها اقدامی انجام دهد.

در عراق و سوریه همه می دانند که عناصر متشکل در القاعده و داعش از سوی ایالات متحده آمریکا و ناتو پشتیبانی می شوند.

روند اخراج ایالات متحده آمریکا («Yankee Go Home») به جریان افتاد. ایالات متحده آمریکا نه فقط از عراق و سوریه بیرون رانده می شود، بلکه حضور ستراتیژیک آن در خاورمیانه بزرگ نیز در تهدید قرار گرفته است. این دو وجه در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر دیگرند.

علاوه بر این چندین هم پیمان قدیمی ایالات متحده آمریکا که عبارتند از ترکیه، عمان، قطر و مصر مناسبات خودشان را با ایران به حالت عادی بازگردانده اند.

آیا بمباران تشبیهی ترمپ به اجراء گذاشته خواهد شد؟

اخیراً ترمپ هشدار داد که اگر تهران به قتل سپهبد سلیمانی پاسخ بگوید، او « ۵۲ نقطه در ایران » را هدف قرار خواهد داد، و اظهار داشت که حملات « خیلی سریع و خیلی قوی » خواهند بود.



Donald J. Trump
@realDonaldTrump



They attacked us, & we hit back. If they attack again, which I would strongly advise them not to do, we will hit them harder than they have ever been hit before!
twitter.com/dancrenshawtx/...

دونالد ترمپ می خواهد تلافی کند. ولی او یک مشکل مهم لوژیستیکی دارد که حتماً شاید بدان آگاه هم نیست.

³ Responsabilité de protéger (R2P)

معمولاً یک عملیات تنبیهی از این نوع علیه ایران از ستاد پیشگام مرکز فرماندهی ایالات متحده در خاورمیانه که در پایگاه هوایی العدید در قطر واقع شده انجام خواهد گرفت.

«مرکز فرماندهی در رأس نیروهای ایالات متحده مستقر در کل خاورمیانه و برخی دیگر از مناطق آسیای مرکزی، در کشورهایمانند افغانستان و عراق واقع شده است. ستاد فرماندهی مرکزی آن در تمپا شهر بندری در غرب فلوریدا مستقر است، ولی عملیات رزمی روزمره از پایگاه هوایی العدید هدایت می شود.»

۱۱۰۰۰ نظامی امریکائی در پایگاه العدید نزدیک دوحه به سر می برند «یکی از پایدارترین و ستراتیژیک ترین های نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا در جهان است» (واشننگتن تایمز). چندین جنگ عمده در خاورمیانه از آنجا هماهنگ شده بود، به ویژه در افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳). این پایگاه در سوریه نیز مداخله دارد.

مشکل پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی ایالات متحده این است که در پایگاه العدید در قطر واقع شده، و از جون ۲۰۱۷، قطر «با دشمن همخوابگی می کند». مشکل این است که قطر به هم پیمان وفادار ایران تبدیل شده.



آنچه را که رسانه ها و تحلیل گران کارشناس در امور خارجی و نظامی در نظر نمی گیرند، این است که ستاد پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی در پایگاه العدید واقع شده به این معنا که عملاً «در سرزمین دشمن» به سر می برد. گوئی که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا به هیچ وجه در جریان این وضعیت نیست.

چند ماه پیش (اکتوبر ۲۰۱۹) پنتاگون تصمیم گرفت پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی در العدید را به نقطه دیگری در خاورمیانه منتقل نکند.

چنس سالترمن^۴ معاون فرمانده مرکز فرماندهی اظهار داشت که «قطر همیشه همکار استثنائی بوده، این پایگاه عملیاتی واقعاً عالی ست و مرکز فرماندهی قصد ندارد به جای دیگری برود».

اطلاعات سر هم بندی شده یا طرح نظامی ناقص؟ قطر «همکار استثنائی» نیست، از جون ۲۰۱۷ عملاً به هم پیمان ایران تبدیل شده است.

خیلی اخیر تر، موضوع مناسبات نظامی دو جانبه بین ایران و قطر مطرح شده بود.

⁴ Chance Saltzman

پس از این که تصمیم بر این شد که العدید (واقع در سرزمین دشمن) نمی تواند به مکان دیگری در خاورمیانه منتقل شود، پنتاگون به فکر افتاد که عملیات هوایی و فضائی در العدید را به کارلونیای جنوبی منتقل کند، « ۷۰۰۰ مایل دورتر». شبیه سازی جابه جایی برنامه ریزی شده فقط ۲۴ ساعت به طول انجامید.

Iran, Qatar discuss ways to boost military cooperation



TEHRAN, Mar. 04 (MNA) – Iran and Qatar military officials met on Sunday in Doha to confer on ways to enhance bilateral cooperation in different fields.

The newly-appointed Iranian military attaché to Qatar, Colonel Mohammad Reza Alishahi, held a meeting with Chief of Staff of the Qatari Armed Forces, Lieutenant-General (Pilot) Ghanem bin Shaheen Al Ghanem.

According to the following tweet by the official account of Qatari Ministry of Defense, the two sides discussed the latest status of bilateral ties as well as ways to expand military ties between the two countries.

نتیجه : در واقع نمی توانیم « جنگی را در خاورمیانه آغاز کنیم» بی آن که « پایگاه پیشگام» در محل داشته باشیم. از همین رو پیشنهاد انتقال به کالیفرنیا جنوبی مسخره از آب درآمد.

طرح های نظامی ایالات متحده آمریکا آیا به ناامیدی انجامیده است ؟

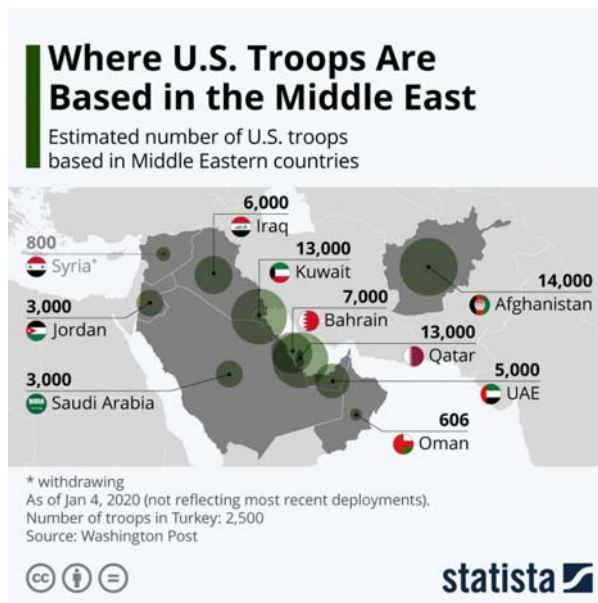
از ماه مه ۲۰۱۷، پس از فروپاشی شورای همکاری خلیج (فارس)، پنتاگون نتوانست پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی ایالات متحده آمریکا (به علاوه نیروی ضربت هوایی) از سرزمین دشمن (قطر) به «سرزمین دوست» (عربستان سعودی، اسرائیل) در خاورمیانه بزرگ منتقل کند.



تحلیلگران نظامی امروز تأیید کرده اند که در صورت جنگ با ایران، العديد به طریق اولی به نخستین هدف تبدیل خواهد شد. « سامانه دفاع پایگاه ظاهراً تجهیزات کاملی برای دفاع از خودش در مقابل راکتهای کروز و پهپادهایی که در ارتفاع پست پرواز می کنند در اختیار ندارد (...).»

آقای رئیس جمهور، چگونه می توانید بمبارانهای تنبیهی خودتان را از سرزمین دشمن و هم پیمان نزدیک دشمن علیه ایران به اجراء بگذارید؟

از دیدگاه ستراتیژیک این وضعیت هیچ مفهومی ندارد و این فقط نوک کوه بخی ست. بمباران و حمله راکتی می تواند از پایگاه های نظامی دیگر ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه انجام گیرد (نمودار را ببینید)، یا از دیگو گارسیا، از ناو هواپیمابر، تحت البحری و مانند اینها. ولی پایگاه پیشگام مرکز فرماندهی در العديد در قطر نقش اول را در ساختار فرماندهی وابسته به ستاد فرماندهی مرکزی در تمپا در فلوریدا و فرماندهی ستراتیژیک ایالات متحده آمریکا (USSTRATCOM) در پایگاه نیروی هوایی اوففوت در نبراسکا را می باشد.



⁵ [Al-Udeid deviendrait une cible prioritaire.](#)

گرچه قطر و ایالات متحده آمریکا قرارداد همکاری دو جانبه دراز مدت در مورد پایگاه هوایی العدید بسته اند، ولی قطر در عین حال قراردادهای همکاری نظامی نه فقط با ایران بلکه با حماس و حزب الله نیز به امضاء رسانده که همه «دشمنان» ایالات متحده آمریکا هستند:

مشکل برای واشنگتن، این است که قطر، یعنی جایی که العدید در آنجا واقع شده، همچنین مناسبات دوستانه با جنبش مقاومت اسلامی مستقر در غزه (حماس) دارد و نزدیک به رهبران حزب الله است (...). [قطر به همچنین مناسبات تنگاتنگی با ایران دارد. در واقع اگر بزرگترین پایگاه هوایی ایالات متحده آمریکا در قطر واقع نشده بود، قطر از سوی ایالات متحده آمریکا برای تغییر رفتارش زیر فشار قرار می گرفت.

برای تاجگذاری روی این همه، قطر به همچنین با روسیه نیز مناسبات دوستانه دارد. چنان که دیدیم اندکی پس از شکاف بین قطر و عربستان سعودی، توافق همکاری فنی در زمینه دفاع هوایی با مسکو به امضاء رساند.

پایگاه هوایی انجیرلیک در ترکیه

وضعیت دیگری که دوباره «تخت خواب مشترک با دشمن» بر پایگاه هوایی انجیرلیک ارجحیت پیدا می کند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در سالهای ۱۹۵۰ در این پایگاه مستقر شد. انجیرلیک در همه عملیات ایالات متحده آمریکا و ناتو در خاورمیانه نقش ستراتیژیک بازی می کند. در این پایگاه تقریباً ۵۰۰۰ هوانورد به سر می برند، نیروی هوایی ایالات متحده امروز در کشور (ترکیه) متحد روسیه و ایران یعنی کشورهای همسایه ترکیه که مناسبات خوبی با یکدیگر دارند واقع شده است. از سوی دیگر، شورشیانی که از سوی ترکیه و ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شوند در شمال سوریه علیه یک دیگر اقدام می کنند.

در اواسط دسامبر ۲۰۱۹، وزیر امور خارجه ترکیه چاووش اوغلو موضوع تحریک آمیز و جنجال برانگیزی را مطرح کرد و گفت «در پاسخ به تحریم هانی که ایالت متحده پس از خرید سامانه دفاع هوایی اس ۴۰۰ روسی علیه ترکیه اعلام کرد، ترکیه ممکن است استفاده از دو پایگاه هوایی ستراتیژیک [انجیرلیک و کورچیک] را برای آمریکا ممنوع اعلام کند».

توان ایالات متحده آمریکا در جنگ متعارف

به چند دلیل، فرادستی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه رو به افول بوده و علت این امر نیز به ویژه به سرشت متغیر اتحادیه نظامی بستگی دارد.

قابلیت فرماندهی ایالات متحده آمریکا دچار ضعف شده است. دو پایگاه هوایی ستراتیژیک مهم، انجیرلیک (در ترکیه) و العدید (در قطر) دیگر زیر کنترل پنتاگون نیست.

گرچه جنگ علیه ایران روی میز طراحی پنتاگون به سر می برد، در وضعیت کنونی، یک جنگ برق آسا (در صحنه جنگ متعارف) با الزام گسیل و استقرار نیروهای زمینی و بحری ناممکن است.

ایالات متحده آمریکا با توجه به فقدان توان در اجرای چنین طرحی، اشکال متنوعی از «جنگ محدود» را در نظر گرفته است، به علاوه حملات راکتی، «عملیات مشت کوبنده» (با استفاده از سلاح های اتمی تاکتیک)، مانورهای سیاسی بی ثبات ساز و انقلابهای رنگی (که در جریان است)، تحریم های اقتصادی، تحریف بازارهای مالی و اصلاحات اقتصاد کلان نئولیبرال (تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول FMI و بانک جهانی).

گزینش هسته‌ی علی‌ه ایران

مشخصاً به دلیل ضعف ایالات متحده در فصل جنگ متعارف است که گزینش هسته‌ی می تواند در نظر گرفته شود، گزینشی که بی گمان به شکل اجتناب ناپذیری به اوج گیری آن خواهد انجامید. ناآگاهی و حماقت عواملی هستند که روند تصمیم‌گیریها را زیر سؤال می برد. به گفته‌ی تحلیلگر امور خارجی ادوارد کورتین⁶ «دیوانه‌ها دیوانگی می کنند».

دیوانه‌هایی که پُست‌های کلیدی در تصمیم‌گیریها را به عهده دارند چه کسانی هستند؟

مشاوران ترمپ در زمینه‌ی سیاست خارجی، مانند وزیر امور خارجه مایک پمپئو، مشاور امنیت ملی رابرت اوبریان و نماینده‌ی ویژه برای ایران و مشاور پمپئو برایان هوک می توانند به رئیس جمهور ترمپ «مشاوره» بدهند و او را مجاز بدانند که «عملیات مشت کوبنده» را به وسیله‌ی سلاح هسته‌ی تاکتیک (سنگر کوب B61) علیه ایران به کار ببرد⁷، که پنتاگون آن را در گروه سلاح‌های «بی آزار» دسته بندی کرده و می گوید که «برای انسانها خطرناک نیست زیرا در عمق زمین منفجر می شود»⁸.

عملیات مشت کوبنده که پنتاگون آن را تعیین کرده عملیات نظامی ست (به وسیله‌ی سلاح اتمی تاکتیک با قدرت تقلیل یافته «قابل استفاده تر») که «خسارات را در ابعاد کوچک» وارد می کند. ولی این ادعا کاملاً اشتباه است، زیرا قدرت انفجاری سلاح اتمی تاکتیک ۳ تا ۱۲ برابر بیشتر از بمبی ست که در گذشته روی هیروشیما پرتاب شد. به گفته‌ی بولتن دانشمندان اتمی (جولای ۲۰۱۹)⁹:

تنش بین ایالات متحده آمریکا و ایران، این دو کشور را به سوی برخورد نظامی سوق می دهد و سپس این احتمال واقعی را برمی انگیزد که ایالات متحده آمریکا از سلاح‌های اتمی استفاده کند. کل ساخت و سازهای توان نامتعارفی که ایران برای مقاومت مؤثر در مقابل ایالات متحده آمریکا تدارک دیده این نوع برخورد را نیز تضمین کرده است.

تجهیزات هسته‌ی ایالات متحده آمریکا¹⁰ در محل به دولت ترمپ اجازه می دهد تا استفاده از سلاح‌های اتمی تاکتیک در صحنه جنگ متعارف را مد نظر داشته باشد. برخی در درون دولت ترمپ ممکن است فکر کنند که به نفع ایالات متحده آمریکا است که با استفاده از زرادخانه هسته‌ی بی‌روزی قاطع و سریع در چهار راه نفت خلیج فارس دست یابند.

⁶ Edwards Curtin

⁷ مترجم: با توجه به تهدید اتمی آمریکا علیه ایران، کشور ایران امضاء کننده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ی، مبنی بر همان منشور منع گسترش و به دلیل تهدید آشکار اتمی یک کشور دارنده سلاح اتمی، از دیدگاه قوانین بین المللی مجاز است برای پاسخگویی و یا بازدارندگی به ساخت سلاح اتمی بپردازد. به سخن دیگر به نظر می رسد که ایالات متحده آمریکا با تحریکات اتمی در پی گسترش سلاح اتمی در جهان است، در حالی که منافع عموم مردم جهان در گسترش سلاح هسته‌ی نیست و خلع سلاح اتمی کشورهای دارنده این سلاح را مطالبه می کند.

⁸ مترجم: خوانندگانی که می خواهند در زمینه‌ی سلاح‌های اورانیوم ضعیف شده بیشتر بدانند به وبلاگ من در لینک ذیل مراجعه کنند: ویژه کاربرد سلاح‌های اورانیوم ضعیف شده در جنگهای معاصر: <http://stopua.blogfa.com/> در واقع علاوه بر تخریب هسته‌ی تاکتیک که تفاوت چندانی با بمب اتمی ندارد (فقط شش برابر بمب هیروشیما - ناکازاکی اگر به درستی به خاطر داشته باشیم، در هر صورت برای ما در اینجا فرقی نمی کندف شوسودوسکی از ۳ تا ۱۲ برابر بمب هیروشیما یاد کرده است)، به معنای تبدیل عمق زمین «دشمن» به اشغالدانی هسته‌ی ست، زیرا بمب‌های تاکتیکی اورانیوم ضعیف شده از اشغالهای اتمی به دست می آید. بی ۶۱ یعنی اشغال هسته‌ی. و ناگفته نگذاریم که همانگونه که بمباران کیمیائی ویتنام، لائوس و کامبوج به تولد نسل جدیدی از کودکان «کودکان دی اکسین» (یا کودکان هیولائی) انجامید و هنوز هم ادامه دارد، کاربرد سلاح‌های اتمی تاکتیک نیز به ظهور کودکان اورانیوم انجامیده و مقدماً در بین فرزندان خود سربازان آمریکائی. گویا آمریکا در خاک خود آمریکا خیلی بیشتر در جنگهایش تلفات می دهد، ده ها هزار سرباز آمریکا پس از جنگ عراق به بیماریهای درمان ناپذیری مبتلا شدند، عده ای از آنها در آمریکا در گذشته اند و برخی دیگر با بیماریهایشان دست و پنجه نرم می کنند. دشمنی نظام سرمایه داری علیه بشریت بی مرز است و دوست و دشمن نمی شناسد: خیلی صریح و ساده: نظام سرمایه داری دشمن بشریت است. در نتیجه پنتاگون درباره‌ی بمب سنگر کوب دروغ می گوید.

⁹ [Bulletin des scientifiques atomistes \(juillet 2019\)](#)

¹⁰ [dispositif nucléaire des USA](#)

ما فکر می کنیم که احتمال فزاینده ای وجود دارد که جنگ ایالات متحده آمریکا و ایران به حمله اتمی آمریکا بینجامد (...)

نکته مهم این است که استفاده از سلاحهای اتمی تاکتیک مستلزم اجازه فرمانده کل نیست. ولی این مجوز شامل سلاح های هسته ای استراتژیک نمی شود.

زرادخانه سلاح های اتمی تاکتیک نیروی هوایی ایالات متحده در پایگاه های نظامی واقع در پنج کشور اروپایی (آلمان، بلژیم، هلند، ایتالیا و ترکیه) ذخیره شده است.

US Nuclear Weapons In Europe 2014			
Country	Base	Vaults	B61s
Belgium	Kleine Brogel	11	20
Germany	Buchel	11	20
Italy	Aviano	18	50
	Gheddi Torre	11	20
Netherlands	Volkel	11	20
Turkey	Incirlik	25	50
Total		87	180

- Current deployment at six bases in five countries
- 4 national bases for delivery by national aircraft; 2 US bases for delivery by US aircraft
- 87 underground storage vaults (348 capacity); additional vaults at other bases in caretaker status
- Despite reduced readiness compared with Cold War, weapons are stored near delivery aircraft
- Additional weapons stored in the United States

به گفته هانس کریستنس و مت کوردا (بولتن دانشمندان هسته ای، گزارش ۲۰۱۹)^{۱۱}، ایالات متحده دارای ۲۳۰ سلاح هسته ای تاکتیک است که ۱۸۰ فرزند آن در پنج کشور اروپایی ذخیره شده است. برخی بمبهای ضد سنگر B61 مسلح به کلاهکهای هسته ای (بمب های پرتاب آزاد) در انجیرلیک زیر کنترل ترکیه ذخیره شده اند (تابلوی زیر را ببینید).

نتیجه گیری

* رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا آماده برای ارتکاب به جنایت جنگی.

* داستان « جنگ علیه تروریسم » رنگ می بازد

* ساختار فرماندهی تضعیف می شود

* اتحادهایی که فرومی پاشند

* همبستگی با دشمن

* تحلیلگران سیاست خارجی پیشبینی ناپذیر

* فریبکاریها و اشتباهات

در حال حاضر، قدرتمندترین سلاح آمریکا دالریزاسیون، اصلاحات اقتصادی نئولیبرال و توان تحریف بازارهای مالی است.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/lempire-americain-a-bout-de-souffle-vers-lexpulsion-des-usa-du-moyen-orient/5640331>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰

¹¹ [Hans Kristensen et Matt Korda \(Bulletin des scientifiques atomistes\)](#)